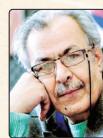




ستاره‌های له و لورده

داستان‌های جانسوز از ۱۳۰۴ تا کنون قهرمانانی که در سانحه اتومبیل جان دادند یا از دره مرگ بازگشتند



ابراهیم افشار

EbrahimAfshar

قدیم‌ها وقتی قهرمانان ورزش ایران در سوانح اتومبیل زخمی یا دچار مرگ و میر می‌شدند هنوز رسانه‌ها آنقدر در جامعه توسعه نیافته بودند که آنها را به سرعت در تیتزر جلد خود بولد کنند. شاید تا همین اواخر که سانحه چپ کردن اتومبیل علی دایی در جاده نطنز - کاشان در سال ۱۳۹۰ عین بنز تیراژ رسانه‌های عامه‌پسند حوزه ورزش را بالا برد کسی توجهی به این قبیل تصادفات نداشت. البته گاهی ممکن بود صفحات حوادث روزنامه‌ها در دهه‌های ۲۰ تا ۵۰ روی چنین چیزهایی مانور بدهند اما آن نیز بستگی به محبوبیت ورزشکاران مصدوم یا از دست رفته داشت. مثل داستان رقت‌انگیز تصادف سیمین و ژانت، دو قهرمان ملی‌پوش تیم‌های بسکتبال و دوومیدانی ایران در پارک‌وی که تا مدت‌ها روی جلد رسانه‌های ورزشی توفان به پا کرد. البته تنها دو کاپیتان تیم‌های ملی بسکتبال و دوومیدانی زنان ایران نبودند که در منطقه پارک‌وی از دست رفتند بلکه این اتوبان نوساز از همان زمان‌ها به عنوان قتلگاه ستاره‌های ورزش مطرح بود و کمی بعد از سیمین و ژانت، کم مانده بود جان هافیک ملی‌پوش فوتبال پرسپولیس را هم بگیرد. ستاره‌ای در اوج خروسخوانی که اگر چه با هزار مصیبت به زندگی برگشت ولی دیگر آن توپچی خوش‌رقص و تکنیکی و دارای شوت‌های خمپاره‌ای نشد. او فوتبالش را تقریباً در ۲۵

سالگی کنار گذاشت و بعدها در ۳۱ سالگی که تپلی و چاق هم شده بود چند صبحی در تیم نفت تهران بازی کرد اما دیگر آن بازیکن قهار قرمزها نشد.

اولین سانحه خونین اتومبیل برای قهرمانان ورزش در ایران، مصادف با اولین سفر تیم ملی کشور به خارج از کشور در سال ۱۳۰۵ بود که همزمان با مرگ درویش‌خان موسیقی‌دان شهیر ایرانی که در تصادف درشکه‌اش در تهران از بین رفته بود اتومبیل دوج حمل قهرمانان فوتبال ایران در جاده انزلی ۹ فوتی به جا گذاشت ولی همه قهرمانان از مرگ قسر در رفتند. کمی بعد میرمهدی ورزشنده بنیانگذار ورزش‌های نوین در ایران با دوچرخه خود دچار سانحه شد و خانه‌نشین شد. غیر از اولین مسافران فوتبال ملی که در سفر به بادکوبه دچار سانحه شدند اولین باشگاه اعزامی به خارج از کشور نیز همزمان با سفر تیم فوتبال دوچرخه‌سواران (که بعدها به تاج و استقلال تغییر نام داد) به افغانستان در سال ۱۳۲۰ دچار سانحه شد و اگر هوشیاری برخی بازیکنان نبود جنازه بازیکن این تیم که از روی سقف اتوبوس به جاده پرت شده بود وسط جاده مانده بود. در اواخر همین دهه بود که نامجو قهرمان وزنه‌برداری ایران بعد از آنکه نخستین مدال طلای وزنه‌برداری تاریخ را دشت کرد در فرودگاه تهران هنگامی که بر شورلتی نشست تا در خیابان‌های تهران گردانده شود هنگام دور زدن در خیابان جمهوری فعلی وارد مغازه‌ای شد و کم مانده بود نامجو دچار سانحه شود. سانحه اتومبیل در ابتدای دهه سی جلیل کتیبه‌ای پدر کوهنوردی ایران را نیز شامل شد و منجر به قطعی پای او از ناحیه ران شد و جلیل آقا دیگر نتوانست برای تمام قله‌های بالای هفت هزار متر عالم، خط و نشان بکشد.

در دهه چهل نیز شورلت حامل بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران در گردنه حیران دچار حادثه شد و تا خبر به فدراسیون فوتبال ایران برسد خودشان زودتر از خبر مرگ‌شان به تهران رسیدند. در اواسط همین دهه بود که اتومبیل حمید شیرزادگان ستاره تیم ملی فوتبال در آستانه بازی‌های مقدماتی المپیک توکیو در جاده ساوه به تهران چنان پودر شد که هیچ‌کس امیدی به زنده ماندن او نداشت اما حمید پاتلاپی با همین اوضاع، خود را به بازی حساس با عراق رساند و قیامت به پا کرد. در اواخر همین دهه چهل بود که اتوبوس حامل توپچی‌های تیم بانک ملی تهران هنگام عزیمت به مسابقات بین استانی به دره سقوط کرد و در حالی که گمان می‌رفت چهار ستاره‌اش را از دست بدهد خدا به جوانی‌شان رحم کرد و سلامتی خود را باز یافتند. ورزش ایران در دهه ۵۰ دو سانحه اتومبیل باور نکردنی در پارک‌وی تهران از سر گذراند که منجر به مرگ دو دختر قهرمانش شد اما دست‌چردی بازیکن پرسپولیس از خطر جست. دهه هفتاد با سه سانحه دردناک اتومبیل همراه بود. سال ۷۳ اتومبیل جواد منافعی بک چپ درخشان پرسپولیس در جاده قائمشهر به ساری واژگون شد و او به کما رفت و بعد از یافتن سلامتی خود دیگر نتوانست به بازی ادامه دهد و با فوتبال وداع گفت. سانحه دردآور این دهه اما مرگ آقامدد بزرگترین استعدادیاب تاریخ فوتبال ایران در سال ۷۴ بود که بعد از تماشای بازی تیم استقلال به هنگام خروج از استادیوم آزادی و بازگشت به خانه، زیر یک پیکان رفت و رقت‌آورترین مرگ تاریخ فوتبال ایران به نامش نوشته شد. سه سال بعد در ۱۷ فروردین سال ۷۷ مرگ فجیع سیروس قایقران کاپیتان تیم ملی فوتبال ایران در یک سانحه

رانندگی، جامعه را تا مدت‌ها غمگین و دردمند کرد. حالا دیگر با توسعه کارخانه‌های اتومبیل‌سازی، تصادفات و مرگ‌ها نیز یکی‌یکی از راه می‌رسید. امیر دولت‌آبادی بازیکن جوان تیم استقلال در ۲۱ سالگی در حالی که داشت در حاشیه جاده تهران - قم استراحت می‌کرد یک دستگاه ترپلر از بند رسته، به اتومبیل وی برخورد و جانش را گرفت. همچنین اتومبیل بازیکن جوان پرسپولیس علی نیکخو نیز در جاده شمال به دره پرتاب شد اما شانس آورد که خودروی وی حین سقوط به دره، به درختی گیر کرد و از مرگ حتمی رست. در دهه هشتاد همچنین دو تصادف خونین به دو بازیکن ایرانی آسیب جدی رساند. امیرحسین اصلانیان در بهمن ۸۲ در جاده محمودآباد با سانحه‌ای عجیب مواجه شد که همراهش جان خود را از دست داد اما او نجات یافت. یک سال بعد جلال خاوندی فوتبالیست اردبیلی تیم ملوان انزلی، در ۲۳ سالگی دچار یک سانحه جاده‌ای شد و جانش را از دست داد. سال ۸۵ مرگ جاده‌ای به آذربایجان رسید و رضا حسن‌زاده بازیکن محبوب سپاهان و تراکتور در سفر با تیم تبریزی به بوشهر، در حالی که در صندلی جلوی یک خودروی کرایه‌ای نشسته بود اتومبیل حامل او با کامیونی تصادف کرد و رضا دچار ضربه مغزی شد. او با همان حال خراب تا بوشهر رفت اما آنجا پلک‌هایش را برای همیشه بست. همچنین وحید رضایی کاپیتان فجر سپاسی از دیگر بازیکنان سانحه دیده آن سال‌ها بود که در اوایل دهه هشتاد خودروی او هنگام عزیمت از شیراز به تهران واژگون شد اما خوشبختانه به جانش آسیب بزرگی نرسید. دهه هشتاد همچنین یادآور مرگ جانگداز آیدین نیکخواه بهرامی ستاره بسکتبال ایران است که در ۲۵ سالگی در حالی که به همراه